

ضرورت تربیت بدنی و پرورش توانمندی‌های ذهنی

علی اکبر ویسمه

محمدرضا نیستانی

مقدمه:

نیز به اهمیت تربیت بدنی و رشد قوای حرکتی انسان، واقف گردیده است و نظام‌های آموزش و پرورش سراسر گیتی می‌کوشند تا تمهیدات و امکانات ضروری برای پرورش قوای جسمانی را فراهم آورند.

کودکان عادی علاوه بر استفاده مفید از "تربیت بدنی" در برنامه درسی خود قادر به استفاده از برنامه‌های ورزشی و حرکتی خارج از محیط

تربیت که "حق آدم شدن" انسان است، به مدد رشد قوای ذهنی، عاطفی، اجتماعی، جسمانی و معنوی تحقق می‌یابد. عنایت بیش از اندازه به یک قوه و واگذاری قوای دیگر، هیأت آدمی را ناموزون می‌گرداند. اندیشه اجتماعی بشر، امروز



راه‌پیمایی، پرش، توپ‌بازی، دو، کشتی، طناب‌بازی، اسب سواری و شمشیربازی گردد. امام محمد غزالی (۵۰۵-۴۵۰) نیز یک ساعت بازی را در برنامه درسی جایز می‌دانست و از نظر خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۷) ورزش و بازی به شرط آن که تولید درد و رنج نکند، بخشی از برنامه‌های آموزشی بود.

بحث تفصیلی و دقیق تربیت بدنی با همت مربیان بزرگ، بر پایه‌ای نظام‌مند و فلسفی قرار گرفت. آفرینش اندیشه حسی تجربی توسط فرانسس بیکن^۱ نقطه آغازین این تحول بود که توسط کمینیوس، پستالوزی، روسو، فروبل، هربارت، جان لاک، مونتس سوری، دکرولی و سگن به اوج خود رسید. جهد و کوشش این مربیان سبب گردید که مطالعه کودکان و شناسایی نیازمندی‌ها و علایق آنان مرکز نقل اندیشه تربیتی قرار گیرد.

ژان ژاک روسو، اگرچه همانند علمای دیگر تربیت در قرون ۱۷ و ۱۸، کارنامه‌اش از اندیشه تربیت کودکان عقب مانده ذهنی تهی است، اما عنایت و التفات ایشان به کودک و نیازهای خاص او، باعث حرکتی کپرنیکی در عرصه توجه به نیازهای ویژه کودکان گردید. روسو در بخش نخست کتاب گران سنگ^۲ "امیل" دوران تولد تا پنج سالگی را دوران میل به حرکت و اعمال بدنی می‌داند و از این رو محیط ساده و آزاد و سالم را برای تحقق رشد حرکات و اعمال بدنی ضروری می‌دید. روسو اظهار می‌دارد که اگر می‌خواهید هوش و ذکاوت محصلان را پرورش دهید باید در ابتدا قوایی را که مربوط به هوش و ذکاوت اوست پرورش دهید و طفل را وادار نمایید که ورزش کند. او را قوی و سالم بار بیاورید تا عاقل و سلیم تربیت شود.

مدرسه هستند، ولی کودکان عقب مانده ذهنی چنانچه در برنامه درسی نتوانند از مزایای فعالیت‌های حرکتی سود جویند، در خارج از مدرسه نیز به دلیل نبود برنامه‌های ورزشی مطابق با نیازهایشان، از شرکت در این برنامه‌ها محروم می‌شوند. اگرچه امروز در کشور ما، آموزش و پرورش کودکان عقب‌مانده ذهنی قانونمند و نظام یافته جلوه می‌نماید، اما حقوق شهروندان عقب مانده ذهنی از جهت بهره‌گیری برابر از امکانات و فرصت‌های تربیت بدنی بسیار ناچیز است.

شاید آنچه نباید از گفتن آن ایا داشت، این است که بسیاری از اموری که در نظام آموزش و پرورش کودکان عقب مانده ذهنی مورد غفلت واقع می‌شود، ناشی از ناآگاهی و عدم تبیین درست و صائب فلسفه تربیت بدنی برای این کودکان است.

تربیت بدنی زمانی چون حقوق کودکان آهسته گام رخ می‌نماید که ماهیت، اهداف، مواد و برنامه‌های آموزشی آن از دیدگاه فلسفی، تحلیلی و نظری تبیین شده باشد. بر این اساس در مقال حاضر کوشش خواهد گردید تا به بررسی ماهیت تربیت بدنی در آموزش و پرورش کودکان آهسته گام پرداخته شود.

الف) تربیت بدنی از دیدگاه مربیان بزرگ
بدون سلامت بدنی و روانی همه اهداف دیگر تربیت سطحی و خیالی است. ارسطو در مراحل نخست تربیت، به رشد جسمانی افراد توجه مخصوص مبذول داشت و آن را پیش زمینه رشد قوای دیگر آدمی می‌دانست. ابن سینا (۴۲۸-۳۷۰ هجری) تربیت بدنی را یکی از ارکان برنامه درسی معرفی می‌کرد و معتقد بود که تا چهارده سالگی باید قسمتی از وقت صرف ورزش‌هایی چون

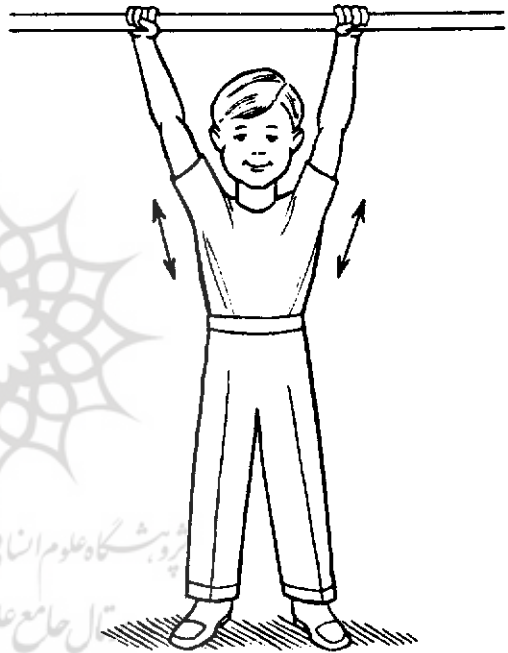
جدیدت در زندگی. کار توأم با بازی ضروری است. بازی - به عنوان یکی از مقولات تربیت بدنی - که برای مربی قرون وسطایی بی معنی و گاه ناپسند بود. با کار کمینوس، بیش تر چون وسیله ای برای خوشایند گردانیدن آموزش اهمیت یافت و در اندیشه روسو برای پرورش حواس و چون یک فعالیت طبیعی مهم شمرده شد. ولی در نظریه تربیتی فروبل، چون نمودی از آزادی، فعالیت و شادی و چون شایسته ترین راه تحول طبیعی، اهمیت بنیادی یافت. اگر از نظر شیلر و اسپنسر، بازی انرژی اضافه بود که می بایست تخلیه شود، از نظر لازاروس، باز آورنده انرژی مصرف شده بود، اما از دیدگاه فروبل، بایسته ترین طریق تربیت به شمار می آمد.

ب) تربیت بدنی کودکان عقب مانده ذهنی از دیدگاه مریان

کوشش های شایسته کمینوس، لاک، روسو و فروبل در شناسایی اهمیت تقویت و پرورش قوای بدنی، الهام بخش مریانی چون مونتسوری، دکروولی (۱۹۳۲ - ۱۸۷۱)، ایثار (اوایل قرن هیجدهم) و سگن در تبیین دیدگاه های آموزش و پرورش کودکان عقب مانده ذهنی گردید.

هدف تعلیم و تربیت از دیدگاه ماریامونته سوری، فقط وادار کردن کودکان عقب مانده ذهنی به تصدیق و آموختن نیست، بلکه هدف آموختن راه کسب تسلط بر جسم خود و بر اشیا و حتی فراهم ساختن امکان این است که کودک جسم خود را به معنایی که در یکی از بندهای معروف "امیل" آمده است، ایجاد کند و آن را به عنوان یک وظیفه، به عنوان یک عامل حیاتی و یک وسیله تحقق دهنده و مشخص سازنده شخصیت انسانی، به عنوان یک قدرت مثبت که با دادن نظم

جان لاک (۱۷۰۴ - ۱۶۳۲) مبتکر بحث در زمینه تربیت بدنی در انگلستان معرفی شده است. هدف اصلی آموزش از نظر لاک، خودانضباطی است. برای القای خودانضباطی، لاک معتقد است که باید نخست به سلامت جسم کودک پرداخت. هنگامی که بدن بیمار و ضعیف است، شخص توانایی کمی در انتقال نیازهای آن دارد، و کم تر می تواند خود را کنترل نماید. به طور کلی از نظر لاک، پرورش تن و تندرستی نخستین گام تربیت



است که باید بدان توجه شود.

فروبل، عملاً با ایجاد کودکان تفاوت میان کارآموزشی و بازی را از میان برد و هر دوی آن ها را یکی دانست. وی کوشش های جدی ولی توأم با بازی و تفریح را برای رسیدن به هدف مشخص و مطلوب، از ضروریات کار تربیتی در مراحل کودکی قلمداد کرد. وی معتقد بود که برای پرورش تمایلات مذهبی و علاقه به کار و کوشش و

اساس فرضیه فیزیولوژیکی اعصاب پایه‌گذاری می‌شود. سگن بنا به این دلیل به تقسیم نقایص ذهنی به دو دسته نقص ذهنی سطحی و نقص ذهنی عمقی مبادرت ورزید که متخصصان اعصاب، سلسله اعصاب را به دو طبقه عمده، سلسله اعصاب محیطی و سلسله اعصاب مرکزی تقسیم کرده بودند. بر طبق عقیده وی، نوع نقص ذهنی سطحی، ناشی از آسیب دیدگی یا ضعیف بودن سلسله اعصاب محیطی است و نوع عمقی از نقایص سلسله اعصاب مرکزی ناشی می‌شود.

روش‌های آموزشی سگن برای این دو نوع نقص ذهنی یکی بود. در نقص سلسله اعصاب سطحی یا نقص ذهنی سطحی، او عقیده داشت که سلسله اعصاب مرکزی بی‌عیب است، ولی به علت ضعف یا آسیب دیدگی اعصاب گیرنده، اثرات حسی به سلسله اعصاب مرکزی نمی‌رسد. سگن اعتقاد داشت که در آموزش شخصی که دارای این نوع نقص ذهنی است، تربیت مخصوص سلسله اعصاب سطحی از طریق تربیت حس و عضله به اعصاب گیرنده قوت می‌بخشد و به آن وسیله به نیروهای محرک امکان می‌دهد تا به سلسله اعصاب مرکزی آسان‌تر برسند. در نوع عمیق نقص ذهنی که تصور می‌شد در اثر آسیب دیدگی سلسله اعصاب مرکزی باشد، همین روش رایج بود، زیرا سگن معتقد بود که بمباران سلسله اعصاب مرکزی توسط اعصاب گیرنده، سأل‌های عصبی کورتکس را تحریک خواهد کرد تا فعالیت ذهنی خود را بیش‌تر کند.

به عقیده سگن، روش فیزیولوژیک تعلیم و تربیت شامل اصلاح و تقویت اندام‌ها از طریق رشد کنش‌های حرکتی، درکی، انعکاسی و خودبه‌خودی کودک است. بر طبق این تئوری‌ها، اولین وظیفه سگن، آموزش دستگاه عضلانی بود.

و معنی به دنیایی که روی آن عمل می‌کند و با تصاحب آن متشکل می‌شود، ایجاد نماید. آنچه روش منتخب مونه‌سوری را تبیین می‌کند این است که می‌خواهد قدرت‌های حسی - ادراکی و حرکتی را به ورزش، دقت و صراحت وادار کند. مونه‌سوری برای تقویت قوای حسی - حرکتی به تمرین با وسایلی از قبیل تاب، پله چوبی، سکوی چوبی برای پرش‌های طول و نردبان طنابی، عنایت خاصی داشت و از ژیمناستیک نیز، در قالب تمرین‌های هدایت شده و بازی‌های آزاد، بدون لوازم برای تربیت بدنی استفاده می‌کرد. در بازی‌های آزاد، توپ، حلقه‌های بزرگ پلاستیکی (هولاهوپ) و بادبادک را برای کودکان به کار می‌برد.

ادوارد دکرولی (۱۸۷۱-۱۹۳۲) معتقد بود که میان کودکان طبیعی و غیرطبیعی تفاوت کیفی و فطری وجود ندارد و قوانین روان‌شناسی واحدی در مورد هر دو دسته صدق می‌کند. اما معتقد بود که آموزش کودک دارای نقص ذهنی باید در پیرامون کودک و نیازهایش دور بزند. دکرولی و همکارانش بازی‌های آموزشی بسیاری ترتیب دادند و فعالیت‌هایی طرح‌ریزی کردند تا نقایصی را که در کودک دارای نقص ذهنی مشاهده می‌شد، به روش طبیعی و خود به خودی اصلاح کنند و کودک را توسط خودش به کار هدایت نمایند. هدف از بسیاری بازی‌ها آن بود که حس تمیز و تشخیص کودک را همان‌طور که ایثار و دیگران انجام داده بودند، توسعه دهند و قوه مشاهده و توجه او را نسبت به موارد مشابه و متفاوت تربیت کنند.

خدمات ادوارد سگن به آموزش و پرورش افراد دارای نقص ذهنی به "روش فیزیولوژیکی" موسوم است. تئوری آموزش و پرورش سگن بر

گرفت و سپس به یادگیری جزئی پرداخت. رشته ژیمناستیک وی ابتدا استفاده از قسمت پایین پا و سپس ساق پا، شانه‌ها، بازوها، مچ دست‌ها، دست‌ها و سرانجام انگشت‌ها را آموزش می‌داد. برای سگن تربیت عضلات دست مهم‌تر از تربیت عضلات سایر قسمت‌ها بود. تربیت دست هم‌زمان با آموزش حس لامسه است. سگن احساس می‌کرد که والدین و آموزگاران نباید کودکان را از دست زدن به اشیاء منع کنند و آن‌ها را از این کار بترسانند. وی اظهار می‌داشت که یکی از ابتدایی‌ترین و مخرب‌ترین مخالفت‌ها این است که کودک را از این که از دست‌هایش برای تشخیص چگونگی اشیای اطراف خود استفاده کند، منع کنیم.

وی اعتقاد داشت فعالیت‌هایی را باید انجام داد که نیازها، تمایلات و استعدادهای کودک را ارضا کند، و این طریقه بسیار جدیدی در آموزش و پرورش بود. سگن معتقد بود که تمرین‌ها باید از فعالیت‌های روزانه و بازی‌هایی که بین همه کودکان معمول است گرفته شود، کلاس‌های درس باید در هوای آزاد تشکیل شود، تمرین‌ها باید آسان باشد و هم‌آهنگ با تمام کنش‌های حرکتی و صوتی طرح‌ریزی شود تا هر قسمت از بدن را که ضعیف است، یا پرورش صحیح نیافته است، رشد دهند. مواد لازم چیزی بیش از یک میز، یک نردبان، یک تخت فنردار برای بالا و پایین پریدن و یک میله برای موازنه بدن نیست. سگن احساس می‌کرد که برای استفاده بهتر از این روش، ابتدا باید همه حرکات را به عنوان حرکات کلی یاد

پی‌نوشت:

- ۱- برای آشنایی با آثار تربیتی و علمی بیکن به کتاب‌های زیر مراجعه کنید:
(الف) نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش (نقیب زاده)
(ب) مریان بزرگ (نوشته اولیچ، ترجمه علی شریعتمداری)

منابع:

- ۱- مایر، فردریک، تاریخچه اندیشه‌های تربیتی (جلد اول)، ترجمه علی فیاض، انتشارات سمت، تهران ۱۳۷۴.
- ۲- صدیق، عیسی: تاریخ فرهنگ ایران، شرکت سهامی طبع خاص، تهران ۱۳۵۵.
- ۳- روسو، ژان ژاک: امیل، ترجمه سلامت مشش، ۱۳۷۰.
- ۴- شاتو، ژان: مریان بزرگ، ترجمه غلامحسین شکوهی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.
- ۵- کرین، ویلیام. سی: پیشگامان روان‌شناسی رشد، ترجمه فرید فدایی، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۷۵.
- ۶- نقیب‌زاده، میرعبدالحسین: نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، انتشارات طهوری، تهران ۱۳۷۶.
- ۷- اولیچ: مریان بزرگ، ترجمه دکتر علی شریعتمداری، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ۱۳۷۵.
- ۸- طوسی، محمد علی: تاریخ آموزش و پرورش باختر، نشر سپهر، ۱۳۷۰.